

## عبور از مرز کوچک



■ نویسنده: اربش کستور بورگنسن  
■ مترجم: کمال بهروزنیا  
■ انتشارات: محراب  
■ قلم  
■ ۱۱۲ صفحه

گل‌های رنگارنگ و وحشی روی چمن‌ها عطرآشنایی می‌کردند و نسیم ملایمی گاه عطر آنها را در اطراف پراکنده می‌کرد، ما گاهی با هم حرف می‌زدیم، گاهی اطراف را تماشا می‌کردیم و گاهی از کوله‌پشتی خوراکی درمی‌آوردیم و می‌خوردیم. گویی در بهشت بودیم. البته با این تفاوت که آدم و حوا از ما بازیگوش‌تر بودند و بالاخره گول شیطان را خوردند.

## فرهنگ فارسی بچه‌های امروز



■ نویسنده: مهدی ضرغامیان  
■ تصویرگر: امیر خالقی  
■ انتشارات: محراب  
■ قلم  
■ سال انتشار: ۱۳۹۹  
■ ۳۶۰ صفحه

«فرهنگ فارسی بچه‌های امروز» برای کودکان ۹ تا ۱۲ سال آماده شده است. این کتاب منبع مناسبی برای تحقیق دانش‌آموزان است. در توصیف مدخل‌های فرهنگ فارسی بچه‌های امروز، واژه‌های هم‌معنی، متضاد، هم‌خانواده و نیز منشأ بعضی از واژه‌های قرضی داده شده است. این کتاب به نوعی کارکرد دایره‌المعارف را نیز دارد.

## نیکولا کوچولو



■ نویسنده: امانوئل لویتی  
■ مترجم: رویا خوئی  
■ انتشارات: محراب  
■ قلم

کتاب‌های «نیکولا کوچولو» از سری کتاب‌های «روان‌خوانی‌های مهتاب» هستند. این مجموعه به منظور افزایش مهارت دانش‌آموزان دوره اول دبستان آماده شده است. هر یک از کتاب‌های این مجموعه حاوی داستانی جذاب با نثری ساده و روان است. گذاشتن اعراب و نشانه‌های سجاوندی برای کلمات و جملات متن کمک می‌کند تا کودکان کتاب‌ها را با توانایی و اعتماد به نفس بیشتر بخوانند.

به این حوزه ورود می‌کنند. نتیجه این می‌شود که امروز با تعداد زیادی از کتاب‌های زرد در بازار کتاب کودک و نوجوان مواجهیم. البته معنی‌اش این نیست که هر کتاب ترجمه‌ای الزاماً بد است و هر کتاب تالیفی از کیفیت خوبی برخوردار است. در هر دوی این‌ها به شکل نسبی، بد و خوب وجود دارد. با این حال، باز هم تکرار می‌کنم که اگر حمایت بیشتری نسبت به کتاب‌های تالیفی صورت بگیرد، بخش زیادی از این مشکلات مرتفع خواهد شد. این حمایت هم با برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و داشتن چشم‌انداز بلندمدت از سوی مدیران فرهنگی محقق می‌شود. شکی نیست که اگر از ناشر و نویسنده حمایت بیشتری شود، تعداد نگارش کارهای ملی افزایش می‌یابد. اگر ملی فکر کنیم، دست‌آورد ملی هم عایدان می‌شود. اگر از کارهای تالیفی حمایت بیشتری شود، به نفع رشد و بالندگی فرهنگ خواهد شد و در این صورت، ناشر هم تشویق می‌شود تا به جای انتشار کتاب‌های ترجمه، به سمت چاپ کتاب‌های تالیفی برود.

**تمرکز خود شما به عنوان یک ناشر با سابقه در حوزه کودک و نوجوان در این سال‌ها بر انتشار چه کتاب‌هایی بوده است؟**

از آنجایی که سال‌ها شغل معلمی داشتم، از اوایل دهه ۷۰، احساس کردم با خلاءهایی در زمینه کتاب‌های علمی تالیفی مواجه هستیم. به همین خاطر به سمت انتشار کتاب‌هایی در حوزه دایره‌المعارف، فرهنگ‌لغت و کتاب‌های مرجع رفتم. اما این کار، همتی خستگی‌ناپذیر و صبوری زیاد می‌طلبد، چون قدم در راه سختی گذاشته بودم. به طوری که حدود ۱۷ سال طول کشید تا یک کتاب در این حوزه تولید کنم. تا امروز موفق به انتشار ۶ عنوان کتاب فرهنگ لغت برای کودکان و نوجوانان شده‌ایم و در مجموع، بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب مرجع شامل دایره‌المعارف، فرهنگ لغت و فرهنگ موضوعی برای دانش‌آموزان چاپ کرده‌ایم. طبعاً آنچه داریم انجام می‌دهیم، با ناشری که کتاب‌های چمدانی زرد می‌آورد و در مدت زمان کوتاهی تمام این کتاب‌ها را می‌فروشد و خیلی زود به منافع اقتصادی دست می‌یابد، تفاوت دارد. با این حال، تلاش کرده‌ایم به سمت کارهای باکیفیت برویم. اگر چه، هزینه‌های چاپ و نشر در شرایط کنونی سرسام‌آور شده است. به عنوان مثال، امروز کاغذ گلاسه‌ای که قبلاً بندی ۵ هزار و پانصد تومان می‌خریدیم، ۲۸ هزار تومان شده است. به همان نسبت، قیمت زینک، صحافی، مقوا و... هم چند برابر شده است. در چنین شرایطی، وقتی ناشر یک کتاب مرجع یا فرهنگ‌نامه را منتشر می‌کند، با توجه به هزینه‌هایی که صرف انتشار چنین کتابی کرده است، باید قیمت آن را ۲۰۰ هزار تومان مقرر کند، اما مخاطب قدرت خرید تهیه کتابی با این قیمت را دارد؟! از این رو، باز هم به حرف اول خودم برمی‌گردم که اگر می‌بینیم امروز تولید کتاب‌های تالیفی کم شده است، به خاطر وجود چنین مشکلاتی است. در نتیجه، نه ناشر توان تولید دارد، نه مخاطب توان خرید یک کتاب را پیدا می‌کند. با تمام این احوال، ما در سال‌های اخیر صرف نظر از انتشار فرهنگ‌نامه‌ها و کتاب‌های مرجع، به سمت انتشار کتاب‌های رمان و داستان هم رفته‌ایم. البته تلاش کرده‌ایم آثار زرد منتشر نکنیم و کارهایی چاپ کنیم که واقعا در بازار نشر حرفی برای گفتن داشته باشند.

**ارائه اثر در این زمینه قدم بردارند، هنوز این خلاء به قوت خود باقی است، ممکن است یک دلیل اقبال مخاطبان نسبت به خرید کتاب‌های ترجمه این نکته باشد؟**

مشکلات حوزه تالیف کتاب‌های کودک و نوجوان یکی، دوتا نیست. باید این مسئله به شکل ریشه‌ای حل شود و آسیب‌شناسی کنیم که چرا گرایش بعضی از مخاطبان به سمت کتاب‌های ترجمه است. در عین حال باید در نظر گرفت، اگر نویسنده‌ای بخواهد یک کتاب خوب بنویسد، دست کم باید یک سال از عمر خود را صرف نگارش این کتاب کند. بعد از آن، ناشر با احتیاط، این کتاب را در ۳۰۰ یا ۵۰۰ نسخه منتشر می‌کند و در نهایت، طی یک بازه زمانی طولانی، حق التالیف ناچیزی نصیب نویسنده می‌شود. همین مسئله کافی است تا بی‌بریم که چرا امروز کتاب خوب کم نوشته می‌شود. البته این معضل فقط مختص کتاب‌های کودک و نوجوان نیست، در حوزه بزرگسال هم همین است. اما چنان‌که اشاره کردم، کتاب‌های کودک و نوجوان به دلیل تصویرگری و مولفه‌های خاص، همیشه چاپ پرهزینه‌تری داشته‌اند. فرض کنید ناشر می‌خواهد یک کتاب ۲۴ صفحه‌ای کودک را منتشر کند؛ اول از همه باید دست کم پنج، شش میلیون تومان دستمزد تصویرگر را پرداخت کند. بعد از آن، چهار برابر یک کتاب بزرگسال برای زینک و چاپ هزینه کند. ضمن این‌که زیاد هم نمی‌تواند قیمت را بالا ببرد و اگر شانس بیاورد، کتاب را در پروسه یک‌ساله به فروش برساند. این را بگذارید کنار وضعیت کتاب‌های ترجمه. ناشر برای انتشار یک کتاب ترجمه، حق رایب نمی‌پردازد، خیلی راحت می‌تواند تصاویر کتاب را اسکن کند و بدون آن‌که هزینه تصویرگری پرداخت کند، این تصاویر را در داخل کتاب استفاده کند، از همه مهم‌تر، کتاب ترجمه در عرض سه، چهار ماه به فروش می‌رسد و ناشر منتفع می‌شود. حالا به نظر شما ناشری که می‌خواهد هم کار فرهنگی و باکیفیت انجام دهد و هم با وجود هزینه‌های جاری نشر، سراپا بماند و کارش تداوم داشته باشد، باید در چنین شرایطی چه کند؟! الان در حوزه تالیف، هم ناشر و هم مولف دچار مشکلات عدیده شده‌اند. به خصوص این‌که اصولاً از کارهای تولیدی حمایتی نمی‌شود و یک ناشر هر چقدر هم که تلاش کند، نمی‌تواند به اندازه یک کتاب ترجمه، کار کیفی ارائه کند. به همین خاطر است که کتاب‌های ترجمه در بازار کتاب از رونق بیشتری برخوردار هستند.

**به جز مواردی که اشاره کردید، حوزه نشر با معضل دیگری هم مواجه است؛ آن هم این‌که امروز، بعضی از نویسندگان مبلغی را به ناشر پرداخت می‌کنند تا آثارشان در بازه زمانی کوتاه به چاپ برسد. نکته اینجاست که وقتی کتاب موردنظر در بازار کتاب توزیع می‌شود، مخاطب حتی رغبت نمی‌کند یک دور کامل چنین کتابی را بخواند. این آسیبی است که به زعم اهالی فرهنگ، امروز به حوزه نشر بزرگسال وارد شده و باعث شده است این حیطه از این نظر دچار آشفتگی شود. در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان هم این مشکل مشابه وجود دارد؟**

قطعا نکته‌ای که به آن اشاره می‌کنید، در این سال‌ها به حوزه نشر آسیب زیادی وارد کرده است. بله! در زمینه کتاب‌های کودک و نوجوان هم با این مشکل مواجهیم. به خصوص این‌که متأسفانه بعضی، به اشتباه فکر می‌کنند نوشتن کتاب کودک آسان است و بدون داشتن اشراف و تسلط،

اگر نویسنده‌ای بخواهد یک کتاب خوب بنویسد، دست کم باید یک سال از عمر خود را صرف نگارش این کتاب کند. بعد از آن، ناشر با احتیاط، این کتاب را در ۳۰۰ یا ۵۰۰ نسخه منتشر می‌کند و در نهایت، طی یک بازه زمانی طولانی، حق التالیف ناچیزی نصیب نویسنده می‌شود. همین مسئله کافی است تا بی‌بریم که چرا امروز کتاب خوب کم نوشته می‌شود. البته این معضل فقط مختص کتاب‌های کودک و نوجوان نیست، در حوزه بزرگسال هم همین است. اما چنان‌که اشاره کردم، کتاب‌های کودک و نوجوان به دلیل تصویرگری و مولفه‌های خاص، همیشه چاپ پرهزینه‌تری داشته‌اند. این را بگذارید کنار وضعیت کتاب‌های ترجمه. ناشر برای انتشار یک کتاب ترجمه، حق رایب نمی‌پردازد، خیلی راحت می‌تواند تصاویر کتاب را اسکن کند و بدون آن‌که هزینه تصویرگری پرداخت کند، این تصاویر را در داخل کتاب استفاده کند، از همه مهم‌تر، کتاب ترجمه در عرض سه، چهار ماه به فروش می‌رسد و ناشر منتفع می‌شود. حالا به نظر شما ناشری که می‌خواهد هم کار فرهنگی و باکیفیت انجام دهد و هم با وجود هزینه‌های جاری نشر، سراپا بماند و کارش تداوم داشته باشد، باید در چنین شرایطی چه کند؟! الان در حوزه تالیف، هم ناشر و هم مولف دچار مشکلات عدیده شده‌اند. به خصوص این‌که اصولاً از کارهای تولیدی حمایتی نمی‌شود و یک ناشر هر چقدر هم که تلاش کند، نمی‌تواند به اندازه یک کتاب ترجمه، کار کیفی ارائه کند. به همین خاطر است که کتاب‌های ترجمه در بازار کتاب از رونق بیشتری برخوردار هستند.